

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصری، پلاک ۲۲ • تلفن:۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷

تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸

توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم

شترت روزنامه

شنبه ۸ شهریور ۱۴۰۴ • ۶ ربیع‌الاول ۱۴۴۷ • ۳۰ آگوست ۲۰۲۵ • سال بیست‌ودوم • شماره ۵۱۹۲ • ۱۲ صفحه

اذان ظهرتهران ۱۲:۰۵ • اذان مغرب ۱۸:۵۳ • اذان صبح فردا ۴:۰۸ • طلوع آفتاب ۵:۳۶

آینده‌خوانی

زیست‌بوم‌دیجیتال و انسان نو؛ بازآفرینی اخلاق



احمدافروز

در عصر حاضر، انسان دیگر فقط ساکن جغرافیای فیزیکی نیست، بلکه در دل زیست‌بومی رسانه‌ای، پیچیده و در حال تکوین زندگی می‌کند؛ زیست‌بومی که نه‌تنها کنش‌ها و واکنش‌های او را دگرگون ساخته، بلکه بنیان‌های ادراکی، ارزشی و هویتی‌اش را نیز به چالش کشیده است. ظهور رسانه‌های دیجیتال، انسان را به موجودی شبکه‌ای بدل کرده است؛ موجودی که هم‌زمان در چند جهان زندگی می‌کند و در معرض سیلی از پیام‌ها، بازنمایی‌ها و تجربه‌ها قرار دارد. این دگرگونی، فقط تغییر ابزارهای ارتباطی نیست، بلکه نشانه دگرگونی در شیوه زیستن و فهمیدن است.

در این سپهر نوین که با شتاب و بی‌مرزی گسترش می‌یابد، پرسشی بنیادین مطرح است: آیا فرهنگ زیستی انسان متناسب با این تحولات بازسازی شده است؟ و اگر نه، چه الزامات فرهنگی و اخلاقی برای زیستی سالم و معنادار در این فضا ضروری است؟

زیستن در فضای دیجیتال دیگر امری اختیاری نیست، درهم‌تیدگیِ حیات واقعی و مجازی، وضعیتی تازه پدید آورده که می‌توان از آن با عنوان هم‌زیستی گسترده انسان با رسانه یاد کرد. این هم‌زیستی، ما را به بازنگری در بنیان‌های فرهنگی زیست انسانی فرامی‌خواند؛ فرهنگی که نه‌تنها ناظر بر رفتار فردی و اجتماعی در فضای دیجیتال است، بلکه تعامل با داده‌ها، بازنمایی خویشتنی، مرزهای حريم خصوصی و عمومی، و مسئولیت‌های اخلاقی را نیز در بر می‌گیرد.

فرهنگ زیستی در این زیست‌بوم، نیازمند مؤلفه‌هایی است که در تمدن پیشادیدigital کمتر مطرح بود؛ از جمله سواد رسانه‌ای انتقادی، توانایی تفکیک واقعیت از بازنمایی، حفظ کرامت انسانی در معرض افکار عمومی جهانی و درک الگوریتم‌هایی که ادراک ما از جهان را شکل می‌دهند.

در چنین شرایطی، اخلاق نیز نمی‌تواند صرفا بر آموزه‌های سنتی متکی بماند. اخلاق دیجیتال، به‌عنوان شاخه‌ای نوپدید، ما را به بازاندیشی مفاهیمی چون مسئولیت، حقیقت، حریم خصوصی و صداقت ارتباطی فرامی‌خواند. چراکه زیست رسانه‌ای، آکنده از موقعیت‌هایی مبهم و چالش‌برانگیز است که در آن مرز میان درست و نادرست، آشکار و پنهان، خیر و شر، پیوسته در حال تغییر است. در کنار این تحولات، پدیده‌های فرهنگی نوظهوری همچون فرهنگ لایک، اقتصاد توجه، نمایش‌محوری، سلف‌برندسازی و فراموشی دیجیتال سر برآورده‌اند. این پدیده‌ها نه‌فقط رفتارها را، بلکه معنا و هویت و حتی تجربه زیسته فرد را تحت تأثیر قرار داده‌اند. انسان در برابر سیلانی از داده‌ها ایستاده، اما گاه از معنا تهی است. در این میان، هویت‌های چندپاره، روایت‌های مصنوعی و اخلاق مصرف‌محور، خویشتن تاریخی و فرهنگی انسان را به حاشیه رانده‌اند. از این رو، زیستن در زیست‌بوم دیجیتال نیازمند خودآگاهی فرهنگی و تعهدی اخلاقی است. ما باید سواد رسانه‌ای را نه صرفا مهارتی فنی، بلکه بخشی از شخصیت فرهنگی و مدنی خود بدانیم؛ سوادی آمیخته با تحلیل انتقادی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و حساسیت اخلاقی.

نهادهای آموزشی، رسانه‌ای و فرهنگی در این میان نقش کلیدی دارند. مواجهه با رسانه‌های دیجیتال دیگر فقط چالشی فناورانه نیست، بلکه مسئله‌ای فرهنگی و تمدنی است که بنیان‌های تربیت، هویت و اندیشه را به چالش می‌کشد. دانشگاه‌ها، پژوهشکده‌ها و اندیشکده‌ها، باید با نگاهی آینده‌پژوهانه به مسئله زیست دیجیتال بنگرند. در غیاب نظریه‌پردازی فرهنگی و اخلاقی، فناوری به‌تنبهایی قادر به هدایت بشر نخواهد بود. در پایان می‌توان گفت انسان امروز نیازمند بازتعریف انسان‌بودن در تعامل با فناوری است. بازآفرینی اخلاق، بازاندیشی فرهنگی و پرورش تفکر انتقادی، سه محور اصلی در این مسیر هستند. زیست‌بوم دیجیتال، اگرچه مجازی است، اما آثار و پیامدهای آن واقعی‌تر و ماندگارتر از بسیاری از کنش‌های فیزیکی بشر است.

سیدمحمد بهشتی، مدیر فرهنگی، معتقد است هویت ملی ایرانیان امری اعتباری و قراردادی نیست و ریشه در تاریخ تمدنی ایران دارد که تلاش برای حفظ و انتقال این داشته‌های فرهنگی به نسل جوان یک وظیفه ملی و فرهنگی از سوی هنرمندان و سینماگران است.

سیدمحمد بهشتی با بیان این مطلب که هویت ملت‌های گوناگون در دنیا عموما اعتباری است و فقط شش کشور در صورت بروز بحران اصالت هویتشان آشکار می‌شود، گفت: مردم معدودی از کشورهای دنیا-از جمله ایران پیوندهای قراردادی و اعتباری با سرزمین خود ندارند. هویت ملی ما کاملا درونی و پیوندخورده با ریشه‌های فرهنگی و تاریخی این سرزمین است. به همین دلیل است که در جنگ ۱۲روزه پیوند عمیق ملی و به نوعی اساطیری ایرانیان با سرزمینشان، از نهان وجودشان برای ماندگاری ایران سر برآورد و تاروپود ایرانمان را حفظ کرد.

او ادامه داد: این در حالی است که در برخی از کشورهای جهان این پیوند وجودی و عمیق نیست، بلکه امری قراردادی است و نتیجتا هنگام وقوع بحران این نیروهای نظامی‌اند که پرچم کشور را بر سر در خانه‌ها نصب می‌کنند تا لزوم وحدت ملی را تذکر دهند. در حالی که در ایران چنین نیست و هویت ملی امری اصیل و ناخودآگاه است و همه وجودا متذکر آن هستند.

این مدیر فرهنگی یادآور شد: همان‌طورکه تأملی در گذشته نیز نشان می‌دهد که این مجلس شورای ملی دوره پهلوی اول نبود که به زبان فارسی با پرچم سه رنگ در ایران رسمیت داد، بلکه زبان فارسی از دوره سامانیان به مثابهٔ زبان مباحثی وجود داشته و سه رنگ پرچم ایران هم از گذشته‌های دور در حکومت‌های مختلف نماد ایران بوده است. بنابراین بسیاری از نشانه‌های هویتی ما ایرانیان امری اصیل بوده یعنی در تاریخی بسیار طولانی ریشه دارد.

جدولی ساده اما تکان‌دهنده نشان می‌دهد تلویزیون جمهوری اسلامی با ۵۰ هزار کارمند، ۲۴ شبکه و بودجه‌ای سرسام‌آور از بیت‌المال، در پنج ماه گذشته همان تعداد سربال ساخته که چند پلترقم خصوصی با کمتر از هزار نیرو و بی‌هیچ اتکالی به خزانه. تفاوت اما اینجاست که سربال‌های رسانه ملی در سکوت و بی‌اعتنایی عمومی محو شده‌اند. درحالی‌که آثار بخش خصوصی در کانون گفت‌وگوها و شبکه‌های اجتماعی جای گرفته‌اند. این یعنی پول مردم هدر می‌رود و رسانه‌ای که باید ملی باشد، به نهادی پُرخرج و بی‌اثر بدل شده است. لایذ وقت یک خانه‌تکانی بزرگ فرارسیده است و شاید بهترین راه نه اصلاح‌های سطحی که انحلال این غول فروت و ساختن نهادی تازه، چاپک، مردمی و قابل اعتماد باشد که بتواند دوباره برای مردم و حاکمیت، «رسانه» باشد.

این مقایسه عددی به‌روشنی نشان‌دهنده ناکارآمدی ساختاری در سازمان صداوسیماست. در ادبیات مدیریت عمومی، چنین فاصله‌ای میان منابع ورودی و خروجی‌های قابل سنجش، نشانه‌ای از بهره‌وری منفی تلقی می‌شود؛ به این معنا که افزایش منابع تخصیص‌یافته الزاما به ارتقای کمی یا کیفی محصول منجر نشده است. درحالی‌که انتظار می‌رود سازمانی با چنین گستره انسانی و مالی، دست‌کم از نظر کمیت تولید چند برابر بخش خصوصی خروجی داشته باشد، داده‌های موجود حاکی از آن است که تلویزیون در رقابت با پلترقم‌های نوپا نیز هم‌سطح عمل کرده و حتی از نظر شاخص دیده‌شدن و اثرگذاری اجتماعی، به‌مراتب عقب‌تر ایستاده است. این واقعیت، پرسش‌های بنیادین در حوزه حکمرانی رسانه برمی‌انگیزد. چرا نهادی با چنین انحصار سفت و سخت قانونی و دسترسی بی‌رقیب به منابع عمومی، نتوانسته است کارکرد اصلی خود یعنی تولید محتوای پُر مخاطب و مرجعیت رسانه‌ای را حفظ کند؟ پاسخ را باید در ترکیب پیچیده‌ای از بوروکراسی متورم، عدم استقلال حرفه‌ای و ساختار ناکارآمد مدیریتی جست‌وجو کرد. مقایسه عملکردی میان صداوسیما و پلترقم‌های نمایش خانگی نشان می‌دهد که چالش اصلی رسانه ملی کمبود بودجه یا نیروی انسانی نیست، بلکه ناتوانی در تبدیل این منابع به محصول فرهنگی مؤثر است. همین رسانه ملی زمانی سربال «شب‌های برره» را تولید می‌کرد که وقتی سربال روی آنتن می‌رفت، خیابان‌ها خلوت می‌شد و دیالوگ‌های بازیگرانش، تبدیل به تکیه‌کلام بزرگ و کوچک مردم می‌شد. اما امروز «سوت پایان برای دوقلوی پیمان جلیلی و وحید جلیلی»، یک شعار رسانه‌ای نیست، بلکه نشانه شکست نهادی است. مردم هر روز بیش از گذشته از تلویزیون فاصله می‌گیرند، حتی نام بسیاری از تولیدات آن را نشنیده‌اند. درحالی‌که سربال‌های نمایش خانگی مستقیم به متن زندگی روزمره و گفت‌وگوهای شبکه‌های اجتماعی نفوذ کرده است. نهادهی عظیم و پر هزینه که بیشتر به یک دستگاه اداری فروت می‌ماند تا یک رسانه زنده، سازمانی



سیدمحمد بهشتی با بیان این مطلب که عشق، مؤلفه اصلی هویت فرهنگی ایرانیان است، اظهار کرد: عشق به میهن کلیدی مهم در پیوند عاطفی با این سرزمین است که گاه ممکن است بر اثر روزمرگی‌ها کم‌رنگ شود اما در بزنگاه‌های حساس از نهان و اعماق وجودمان سر برمی‌آورد و گاه قدرتش خودمان را شگفت‌زده می‌کند؛ چیزی که در جنگ ۱۲روزه رخ داد.

او تأکید کرد: تجربه این ۱۲ روز نشان داد ۹۲ میلیون ایرانی برای سرزمین‌شان پناه شدند و برای هم «همسایگی» کردند. آیا منظره‌ای باشکوه‌تر از این در طول تاریخ می‌توان سراغ گرفت و حالا وظیفه حکومت است که پاسخ این همیاری را بدهد.

سیدمحمد بهشتی در پاسخ به این سؤال که مسئولیت فرهنگ در قالب انجام امور فرهنگی مانند ادبیات، سینما و سربال‌سازی چیست، گفت: استنباطم این است آنچه در این ۱۲ روز شاهدش بودیم، سرشار از شکوه همدلی و همراهی و یک سرمایه بزرگ فرهنگی است که باید



از اسفندماه سال گذشته تاکنون بیش از ۲۵ هزار هکتار از بخش عراقی تالاب هورالعظیم در حال سوختن است و ماه‌ها منبع اصلی انتشار دود گسترده در خوزستان است. شرایط آلودگی ناشی از این آتش‌سوزی بارها ادارات و مدارس را به تعطیلی کشانده است. بنا به گفته کارشناسان تنها راه‌حل مهار آتش، تأمین حفاقه تالاب از سوی عراق یا بارندگی است.عکس: علیرضا محمدی، ایسپا

instagram:sharghdaily1

twitter:sharghdaily

youtube:sharghdaily

Telegram:SharghDaily

aparat:tasvirishargh

www.sharghdaily.com

سیدمحمد بهشتی: ایرانی‌ها برای سرزمینشان پناه شدند

آن را پاس داشت و مأموریت امور فرهنگی هم جز این نیست. او ادامه داد: بزرگان ادبیات ما از سده ششم تا کنون همراه در ستایش عشق سروده‌اند و داستان نوشته‌اند و حالا هم لازم است در حیطه فعالیت‌های فرهنگی چه در ادبیات، چه در سینما و تلویزیون رسم عاشقی را زنده کنیم. باور کنید که اگر به مسائل موجود در سرزمین‌مان عاشقانه نگاه کنیم، نیمی از مشکلات حل خواهد شد. مثلا راه صحیح حل معضل آب در ایران، احیای مناسبات عاشقانه میان انسان و آب است و این مهم در طول تاریخ وجود داشته.

بهشتی تأکید کرد: به اعتقاد من فعالان حوزه فرهنگ هم باید به گذشتگان تاسی کنند. مثلا نظامی کنجوی فهمیده بود اکسیر ماندگاری این سرزمین تذکردهای راه و رسم عاشقی است و همین سبب شده بود که منظومه «لیلی و مجنون» یا «خسرو و شیرین» را بسراید. یا جلوتر که می‌آییم در آثار معاصران مثل رمان کم‌نظیر «سو و شون» نیز داستان روایت عاشقی زری و یوسف است که در نهایت به عشق او کفت: از همین سر معتقدم خواندن اصل رمان و اقتباس‌های

ادبی از شاهکارهایی همچون فردوسی، نظامی کنجوی یا آثار ادبیات معاصر ایران همچون «سو و شون» سیمین دانشور یا دیگر نویسندگان مانند بزرگ علوی، می‌تواند راه و رسم عاشقی را به نسل جوان یادآور شود.

سیدمحمد بهشتی در پایان خاطرنشان کرد: ساخت سربال‌هایی همچون «سو و شون» می‌تواند روایت تصویری از داستان‌های این سرزمین را به نسل جوان منتقل کند اما توصیه همیشگی من به جوانان این است که اصل رمان‌ها را بخوانند و در ادامه اقتباس‌های ادبی می‌توانند روایتی تصویری را در راستای آگاهی و تماشای تاریخ و فرهنگ ایران ارائه دهند.

صاف‌وساده

بودجه صدا و سیما چگونه مصرف می‌شود؟



قادر باستانی‌تبریزی

عضوهیئت‌مدیره انجمن صنفی‌روزنامه‌نگاران

که هر روز بیشتر از آن روی برمی‌گرداند. تلویزیونی که زمانی «مرجع» و «خانه دوم» مردم بود، حالا به دستگاهی بی‌روح و ازکارافتاده شبیه شده که حتی در اوج هزینه‌کرد، توانایی خلق یک اثر ماندگار را ندارد.

این همان پوسیدگی درونی است؛ سازمانی که به ظاهر بزرگ و پرطمطراق است، اما از درون تهی و فرسوده؛ همچون درختی که ریشه‌هایش خورده شده و فقط بر تنه خشکیده‌اش رنگ زده‌اند. آنچه امروز با عنوان سربال‌های تلویزیونی روی آنتن می‌رود، تکرار بی‌پایان قصه‌هایی است که هیچ نسیبتی با واقعیت زیسته مردم ندارند. نتیجه هم روشن است: بی‌اعتمادی عمومی و بی‌تفاوتی نسبت به محصولی که قرار بود رسانه ملی باشد. در مقابل، پلترقم‌های خصوصی با منابع اندک اما خلاقیت و جسارت بیشتر، شخصیت‌های خاکستری‌تر، داستان‌های نزدیک‌تر به زندگی واقعی و امکان انتخاب و کنترل توسط مخاطب، نه‌تنها میدان را فتح کرده‌اند بلکه مرجعیت فرهنگی تازه‌ای ساخته‌اند. جوان امروز نه پای تلویزیون، که با موبایل و لپ‌تاپ خود جهان رسانه‌ای‌اش را می‌سازد. او دیگر نمی‌پذیرد زمان تماشایش را مدیران جام‌جم تعیین کنند.

این جابه‌جایی تنها یک اختلاف سلیقه یا رقابت تجاری نیست، بلکه بحران مرجعیت رسانه‌ای است؛ تلویزیون که باید سرمایه نمادین نظام و ابزار قدرت نرم باشد، اکنون در حال از دست دادن آخرین پیاگه‌های اجتماعی‌اش است. شکست جلیلی و جلیلی، تصویر صداوسیما را به نهادی فریه و بی‌اثر بدل کرده است. سازمانی که به جای تولید اعتماد، تولید انزجار می‌کند و به جای همبستگی ملی، فرار مخاطب را سرعت می‌بخشد. این وضعیت محصول سال‌ها لجاجت مدیریتی و غلبه نگاه غیر رسانه‌ای بر نیاز واقعی مردم است. اگر مدیران صداوسیما به جای شفاف‌سازی و پاسخ‌گویی، همچنان به پنهان‌کاری و بودجه‌خواری ادامه دهند، اگر به جای بازسازی اعتماد عمومی باز هم سانسور و خط قرمز را پررنگ‌تر کنند، سوت پایان برای تمام ساختار رسانه‌ای که نام ملی بر خود نهاده به صدا درخواهد آمد. در جهان امروز، مرجعیت را نمی‌توان با پول و دستور خرید، مرجعیت تنها با صداقت، خلاقیت و احترام به شعور مخاطب به دست می‌آید.

۸۰ درصد

تسنیم؛ وزیر نفت اعلام کرد: بیش از ۷۰ درصد بنزین کشور در جنوب تولید می‌شود، اما در طرف مقابل بیش از ۸۰ درصد از آن در نیمه شمالی کشور مصرف می‌شود. «پاک‌نژاد» افزود: تا پایان برنامه هفتم پیشرفت، حدود دو هزارو ۳۰۰ کیلومتر خط لوله انتقال فراورده و بیش از ۶۰۰ کیلومتر خط لوله انتقال نفت خام با مجموع سرمایه‌گذاری حدود ۱۲۸ میلیون یورو و ۳۷ هزار میلیارد تومان تکمیل و راه‌اندازی می‌شود. لوله‌های ۳۰ اینچ با ضخامت زیر ۱۰ میلی‌متر با استاندارد NACE برای نخستین‌بار در کشور تولید شده است.

۸۲ دوره

هشتادودومین جشنواره فیلم ونیز با حضور سینماگران مشهور و با تجلیل از ورنره تزوک کار خود را آغاز کرده است. فرانسیس فوردکاپولا در مراسم افتتاحیه، جایزه شیر طلایی ونیز برای یک عمر فعالیت سینمایی را به او اهدا کرد. در این جشنواره فیلم‌هایی از ده‌ها کشور جهان از جمله ایران به نمایش درمی‌آید. جورج کلونی و همسرش امل که وکیل و فعال حقوق بشر است به همراه گروهی از ستارگان سینما از جمله کیت بلاشت و اما استون در این دوره روی فرش قرمز رفتند.

طنزخوانی

ترانه قابل پخش مارتیک



آردشیر سيارسريع

از آتجایی که رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت اعلام کرده که مارتیک می‌تواند به ایران برگردد، تصور می‌کنیم که ایشان بالاخره برمی‌گردد و برای گرفتن مجوز شعرش، مثل برنامه ممیزی، مجبور می‌شود یک مقداری اصلاحات روی ترانه محمود استادمحمد انجام دهد. احتمالا با تغییرات زیر فعالیت ایشان بلامانع می‌شود.

اصل ترانه: آهو- خاتم بالا بلند ماه

پیشونی سروسمند

ابرداره خنجر تیز،برق نگاش مثل کمند

تغییر باید به: مسئول خوب دولتمند،

ملی چون خودروی سمند

دلسوز و با تعهدی، مواضع تو مثل قند

ترانه: چشم سیاش بی‌کوه نور کردن اون

تنگ بلور

بلور صاف با رفتن روشن‌تر از دشت و

دمن

تغییر باید به: چشم سیات بی‌کوه نور،

نگاه‌تو به شرق دور

این‌قدر که ساده‌یستی تو، خونهات

هستش سمت پرند

ترانه: آهو ی پر کرشمه اومد به پای

چشمه

راز و نیاز لب‌هاش، لب‌های خشک و

تشنه

تغییر باید به: مسئول پردغدغه اومد به

پای چشمه

گفت مردم آب ندارن، پس من می‌مونم

تشنه

ترانه: دلمو برد با یک نفس اسیر شدم تو

این قصم

دامن بار شکن‌شکن دیوار دل آینه‌شکن

دیوار دل آینه‌شکن

تغییر باید به: دلارو برد تا صد تومن،

ناراحته اون عمیقا

برنامه‌ریزی کرده اون، فعلا تو اب برق

من، فعلا تو اب برق من

ترانه: چشمای آهو مسته گل به گلشن

نشته

درخت بید مجنون حبله عشقو بسته

تغییر باید به: با اینکه میکن بسه، کی

میشی‌بازنشته؟

ولی به شوق خدمت هیچ‌وقت نمیشه

خسته

ترانه: تنگ دلش طلا بود حبله پر از

حیا بود

گفتم دوستم می‌دارم اون‌وقت اونم رها

بود اون‌وقت اونم رها بود

تغییر باید به: دلش پر از صفا بود، پشت

به مال دنیا بود

گفتم دوستم می‌دارم، جوابش مرجبا

بود جوابش مرجبا بود

جهان‌خوانی

در کهکشان چه خبر است؟



دیروز ناسا عکسی را منتشر کرد که از یک ارتباط در کهکشان خبر می‌داد. در این عکس قسمتی از آسمان که داخل قاب تصویر تلسکوپ دیده می‌شود و ترکیب ستاره‌ها، کهکشان‌ها یا غبارها، یک صحنه چشم‌نواز ساخته. بخشی از صورت فلکی «پگاسوس» را در آسمان پوشش می‌دهد که گستره‌ای به اندازه یک قرص کامل ماه دارد. ستاره‌های درخشان‌تر تصویر، «خط‌های پراش» دارند؛ همان پرتوهایی که به‌خاطر پایه‌های درونی تلسکوپ‌های بازتابی دیده می‌شوند و همه‌شان در کهکشان راه شیری خودمان قرار دارند. در پس‌زمینه، ابرهای گسترده غبار میان‌ستاره‌ای را می‌بینیم که بالای صفحه کهکشان گسترده شده‌اند و نور ستارگان راه شیری را بازتاب می‌دهند. این ابرها که «ابرهای نازک غباری کهکشانی» یا همان «سحابی‌های بازتابی بسیار کم‌نور» نامیده می‌شوند، با ابرهای مولکولی راه شیری در ارتباط هستند. در حقیقت، ابر پراکنده‌ای به نام «ام‌بی‌ام ۵۴» که کمتر از هزار سال نوری از ما فاصله دارد، این صحنه را پر کرده است. در میان این ابر غباری، کهکشانی مارپیچی و درخشان به نام «ان‌جی‌سی ۷۴۹۷» دیده می‌شود که حدود ۶۰ میلیون سال نوری دورتر قرار دارد. این کهکشان که تقریبا از لیه دیده می‌شود، درست در مرکز تصویر جا خوش کرده و بازوهای مارپیچی و رگه‌های غباری‌اش شبیه به همان رنگ‌ها و ساختارهای ستاره و غبار در کهکشان خودمان جلوه می‌کند.

ایرنا: **احمد مطهری اصل، امام‌جمعه تبریز، گفت: «امروز کشورمان با چهار هزارو ۹۵۲ مورد تحریم بزرگ و کوچک مواجه است و در صورت اجرای مکانیسم ماشه فقط هفت مورد تحریم به آن افزوده می‌شود، پس این اقدام بصورت جنبه تبلیغاتی دارد».**
بر اساس مفاد برجام، در صورت تکمیل این روند طی یک ماه آینده، تمام تحریم‌های شورای امنیت علیه ایران که در سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۶ اعمال و سپس لغو شده بود، مجددا بازخواهد گشت.